

رابطه سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های درونی‌سازی شده در کودکان Relationship between parenting styles and internalizing symptoms in children

تاریخ پذیرش: ۸۸/۴/۳

تاریخ دریافت: ۸۷/۹/۲

Ghanbari S. MSc[✉], Nadali H. MSc,
Seyyed Moosavi P. MSc

سعید قنبری[✉]، حسین نادعلی^۱،
پریسا سادات سیدموسوی^۲

Abstract

Introduction: In attention to the role of relationship between child and parents in child development, this research was to study internalizing symptoms (anxiety-depression, depression-withdrawal and somatic complaints) in children regarding to parenting styles (authoritative, authoritarian and permissive) and determine the role of these variables in prediction of children problems.

Method: For this purpose, 271 mothers of 7-9 year old boys educating at first to third grade of 4 primary schools of 6th region of Tehran randomly selected by cluster sampling and completed the parenting styles questionnaire of *Baumrind* and *Ashenbakh* system of empirically based assessment. Data analyzed by Pearson correlation co-efficiency and regression analysis.

Results: Authoritative style had negative significant relationship with all the internalizing symptoms and authoritarian style had positive significant relationship with all the internalizing symptoms. The result of regression analysis showed that authoritative style is a negative significant predictor and authoritarian is a positive significant predictor of all internalizing symptoms.

Conclusion: Result of the research was concordant with the past studies in this field. In total, it seems that control along with intimacy is the most important factor in prevention of internalizing symptoms.

Keywords: Parenting Styles, Internalizing Symptoms, Anxiety, Depression, Somatic Complaints

چکیده

مقدمه: با توجه به نقش رابطه کودک و والدین در رشد و تحول کودک، هدف این پژوهش بررسی نشانگان درونی‌سازی شده (اضطراب-افسردگی، افسردگی-کناره‌گیری و شکایات جسمانی) در کودکان در رابطه با سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و تعیین سهم هر یک در پیش‌بینی مشکلات کودکان بود.

روش: به این منظور تعداد ۲۷۱ نفر از مادران کودکان پسر ۷ تا ۹ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی منطقه شش تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلاس‌های مقاطع اول تا سوم از ۴ مدرسه ابتدایی موجود در این منطقه انتخاب شده و با پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند و فهرست رفتاری کودک ارزیابی شدند. نتایج با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: سبک فرزندپروری مقتدرانه با تمام نشانه‌های درونی‌سازی رابطه منفی معنی‌دار و سبک فرزندپروری مستبدانه با تمام نشانه‌ها رابطه مثبت معنی‌دار داشتند. بر طبق نتایج تحلیل رگرسیون، سبک مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده منفی معنی‌دار و سبک مستبدانه پیش‌بینی‌کننده مثبت معنی‌دار برای تمام نشانه‌های درونی‌سازی شده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش همسو با بیشتر پژوهش‌های قبلی در این زمینه است. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که کنترل همراه با صمیمیت، مهم‌ترین عامل در پیشگیری از نشانه‌های درونی‌سازی شده باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، نشانه‌های درونی‌سازی شده، اضطراب، افسردگی، شکایات جسمانی

[✉] **Corresponding Author:** Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: ghanbari_sbu@yahoo.com

[✉] گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۱ دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
^۲ گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

اختلال‌های درونی‌سازی شده و اختلال‌های برونی‌سازی شده دو دسته کلی از الگوی جدید طبقه‌بندی اختلال‌های دوران کودکی هستند [۱]. در این میان، نشانگان افسردگی/اضطراب، کناره‌گیری/افسردگی و شکایات جسمانی در دسته مشکلات درونی‌سازی شده قرار می‌گیرند که معمولاً فرد را آزار می‌دهند و مشکلات مربوط به قانون‌شکنی و پرخاشگری که بیشتر با آزار و اذیت دیگران در ارتباط هستند، در طبقه مشکلات برونی‌سازی شده قرار می‌گیرند [۲]. مشکلات درونی‌سازی شده تأثیر منفی روی عزت‌نفس، عملکرد تحصیلی، سلامت جسمانی، کارایی اجتماعی و سازش‌یافتگی روان‌شناختی کودک در آینده دارد [۳، ۴].

عوامل خانوادگی جزء مهم‌ترین مولفه‌های تبیین‌کننده منشا این مشکلات رفتاری در کودکان هستند. ادبیات پژوهشی همواره تأثیر عوامل محیطی (مانند فرزندپروری) را بر رفتار و کنش‌وری روانی-اجتماعی کودکان نشان داده است [۵].

پژوهش‌های متمرکز بر عوامل والدینی، عموماً فرزندپروری را هم در پرتو سبک‌های فرزندپروری جهانی (برای مثال، مقتدر، مستبد و سهل‌گیر) و هم رفتارهای خاص والدینی (مانند شیوه‌های برقراری نظم) مفهوم‌سازی نموده‌اند. بیشتر پژوهش‌های این حوزه بر اساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند انجام شده است [۶]. بامریند سه سبک فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را با در نظر گرفتن کنترل و صمیمیت والدینی ارایه کرده است. پژوهش‌های انجام شده بر این سه سبک نشان داده است که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند [۶]. فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سختگیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌گردد. این سبک با پیامدهای رفتاری منفی مانند اختلال‌های برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده و سطوح پایین‌تر کنش‌وری هیجانی ارتباط دارد [۶]. از سوی دیگر، فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌گردد. این سبک با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود بیشتر، انحرافات رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان مرتبط است. نهایتاً سبک سهل‌گیرانه که پژوهش‌های کمتری به آن پرداخته‌اند، با کمبود مهار والدینی مشخص می‌شود. به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود. این سبک نیز با بزهکاری و پرخاشگری که ناشی از کمبود نظارت والدین و بی‌تفاوتی والدین در این سبک است ارتباط دارد [۷].

در نتایج تحلیل عاملی پژوهش موریس، میسترز و براکل، دو بُعد اساسی برای رفتارهای پرورشی والدین شناسایی شده است. بعد اول را می‌توان به عنوان مراقبت توصیف نمود که اشاره به رفتارهای

مرتبط با پذیرش، محبت و در جهت مخالف، اشاره به طرد و انتقاد دارد. بعد دوم کنترل نامیده می‌شود که اشاره به کنترل والدینی، حمایت بیش از حد و در جهت مخالف، اشاره به پرورش خودمختاری در کودک دارد. مطالعات تطبیقی آنها نشان می‌دهد که رفتارهای والدینی منفی با سطوح بالاتر اضطراب و افسردگی رابطه دارد. شواهد نشان می‌دهد که طرد، فقدان محبت عاطفی و حمایت بیش از حد موجب افزایش خطر تحول اختلال‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی در کودکان می‌گردد [۸، ۹].

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رفتارهای منفی مادران با نشانه‌های درونی‌سازی شده در پسران و دختران رابطه دارد. بخصوص رفتارهایی چون طرد و تربیت تنیدگی‌زا در پسران و حمایت بیش از حد و طرد در دختران، با اضطراب رابطه مثبت دارد. همچنین رفتارهای مضطربانه مادران با نشانه‌های افسردگی در کودکان رابطه دارد [۱۰].

بر اساس سایر پژوهش‌ها، دو بُعد کلیدی فرزندپروری که با مشکلات رفتاری در کودکان رابطه دارد، حمایت (درگیری، دلبستگی و محبت) و کنترل (نظارت و انضباط) است [۱۱]. فرزندپروری مثبت با رشد عاطفی کودکان ارتباط دارد که این رشد شامل درگیری در فعالیت‌های عاطفی است که پرورش‌دهنده رشد اجتماعی کودکان است و همچنین خودمختاری که به کودک کمک می‌کند تا اهداف خویش را در گام‌های قابل دسترسی دنبال کند و به کشف راه‌های جدید و انتخاب دست بزند. رفتارهای مثبت والدین، این باور را در کودک پرورش می‌دهد که وی موجودی ارزشمند است و در زمان مشکلات می‌تواند روی حمایت والدین خویش حساب کند [۱۲]. تحقیقات نشان داده است که مشکلات درونی‌سازی شده بدون مداخله بالینی (در نیمی از کودکان که این تشخیص در مورد آنها داده شده) در طول زمان تداوم می‌یابد [۱۳]. این اختلال‌های عاطفی معمولاً موجب درماندگی معنی‌داری برای این کودکان و خانواده‌های آنها در نوجوانی می‌گردد. بنابراین برنامه‌های شناسایی عوامل خطر ساز و پیشگیری از آنها، حوزه‌ای است که در بحث سلامت عمومی مورد توجه روز افزون است [۱۴] و ضرورت این پژوهش‌ها را در حوزه سلامت روان کودکان تبیین می‌نماید.

با توجه به بررسی ادبیات پژوهشی در این زمینه، هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری به عنوان یک متغیر پیش‌بین اختلال‌های درونی‌سازی شده در کودکان با این سازه است.

روش

نوع مطالعه این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است و جامعه مورد بررسی شامل مادران کودکان پسر ۷ تا ۹ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی منطقه شش تهران بوده است. نمونه‌ای با حجم ۲۷۱ نفر از مادران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به این منظور ابتدا از بین مدارس ابتدایی موجود در

از پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری برای سنجش سبک فرزندپروری والدین استفاده شده است. این ابزار بر اساس نظریه بامریند از الگوهای رفتاری سهل‌گیر، مستبد و قاطع اقتباس شده که جهت بررسی شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. بوری، میزان پایایی این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سبک سهل‌گیرانه، ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش نموده است. همچنین وی در مورد میزان اعتبار پرسش‌نامه، رابطه بین سهل‌گیر بودن و مستبد بودن را (۰/۵۰-) و همچنین رابطه مقتدر بودن و مستبد بودن (۰/۵۲-) را در مادران منفی یافته است. *اسفندیاری* و رضایی میزان پایایی برای سبک سهل‌گیرانه را ۰/۶۹، برای سبک مستبدانه ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش نمودند. اعتبار این پرسش‌نامه بوسیله صاحب‌نظران روان‌شناس و روان‌پزشک مورد تایید قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی مربوط به نمونه پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سن مادران برابر با ۳۵/۷ و میانگین سن کودکان ۷/۹ است. مادران نمونه پژوهش ۳۸٪ شاغل و ۶۲٪ خانه‌دار هستند. برای بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نشانگان درونی‌سازی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۱ ارایه شده است. با توجه به نتایج جدول ۱ و به دلیل وجود همبستگی‌های معنی‌دار بین مقیاس‌های مشکلات درونی‌سازی شده و سبک‌های فرزندپروری با یکدیگر و به منظور تعیین سهم واریانس هر یک از سبک‌های فرزندپروری در نشانگان درونی‌سازی شده کودکان، از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در جدول ۲ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون سبک‌های فرزندپروری بر نشانگان درونی‌سازی شده و در جدول ۳، ۴ و ۵ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به هر یک از سبک‌ها بر نشانه‌های درونی‌سازی شده به تفکیک ارایه شده است. در تحلیل اول، سبک‌های فرزندپروری به عنوان متغیر پیش‌بین و نمره کل نشانگان درونی‌سازی شده به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند. با توجه به معنی‌دار بودن ضریب F نتایج نشان می‌دهند که سبک‌های فرزندپروری می‌توانند ۲۳٪ از واریانس نشانه‌های درونی‌سازی شده در کودکان را به طور معنی‌داری پیش‌بینی نمایند. سبک مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و سبک مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده منفی برای این نشانگان معنی‌دار است. در تحلیل بعدی، سبک‌های فرزندپروری به عنوان متغیر پیش‌بین و نشانگان اضطراب/ افسردگی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند.

منطقه شش، ۴ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس از هر مدرسه، سه کلاس از بین مقاطع اول تا سوم ابتدایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. فهرست رفتاری کودک که در این پژوهش به کار رفته است، در نظام سنجش مبتنی بر تجربه آشناباخ برای ارزیابی سنجش صلاحیت، کنش‌وری سازی و مشکلات عاطفی- رفتاری کودکان معرفی شده است. این فهرست، توسط والدین یا فردی که سرپرستی کودک را بر عهده دارد و از او مراقبت می‌کند و یا هر کسی که با کودک در محیط‌های شبیه خانواده زندگی می‌کند و او را به طور کامل می‌شناسد، براساس وضعیت کودک در ۶ ماه گذشته تکمیل می‌شود. این فهرست دارای دو بخش است، بخش اول مربوط به صلاحیت کودک در زمینه‌های مختلف نظیر فعالیت‌ها، روابط اجتماعی و مدرسه است و بخش دوم مربوط به مشکلات عاطفی- رفتاری است که می‌توان آن را به دو صورت مورد بررسی قرار داد. ابتدا می‌توان از نیم‌رخ‌هایی که براساس اختلال‌های DSM-IV تنظیم شده است آن را مورد بررسی قرار داد. این جهت‌گیری براساس DSM مشکلات عاطفی، اضطرابی، بدنی، نارسایی توجه/افزون‌کنشی، تضادورزی جسورانه و مشکلات هنجاری را دربر می‌گیرد. همچنین مشکلات عاطفی- رفتاری را می‌توان براساس مقیاس‌های نشانگانی که مبتنی بر تجربه هستند مورد بررسی قرار داد. برای تشخیص نشانگان، در فهرست رفتاری کودک از روش‌های تحلیل عوامل استفاده شده است که براساس آن عوامل یا نشانگان اضطراب/افسردگی، گوشه‌گیری/افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتارهای قانون‌شکنی و رفتارهای پرخاشگرانه به وجود آمده‌اند که سه مورد نخست، تشکیل‌دهنده مشکلات درونی‌سازی شده و دو مورد انتهایی تشکیل‌دهنده مشکلات برونی‌سازی شده هستند و می‌توان نمرات مربوط به این دو مقیاس را از مجموع نشانگانی که در این مقیاس قرار می‌گیرند، به دست آورد [۲]. پایایی آزمون-بازآزمون بوده و بین مصاحبه‌گران نمرات فهرست رفتاری کودک بین ۰/۹۳ تا ۱ برای نمرات (از مصاحبه‌گران مختلف و گزارشات والدین با فاصله زمانی ۷ روز) به دست آمده است. این پایایی برای مقیاس‌های صلاحیت، کنش‌وری سازی و نشانگان عاطفی- رفتاری در CBCL برابر با ۰/۹۰ است. نمرات CBCL بین ۱۲-۲۴ ماه ثبات داشتند. هنجاریابی این نظام در شهر تهران، پس از انطباق‌های لازم به لحاظ زبانی، فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته است. همسانی درونی این نظام در مشکلات رفتاری- عاطفی کودکان رضایت‌بخش است. در اعتبار آزمون- بازآزمون، تمام همبستگی‌های گشتاوری پیرسون معنی‌دار است و همچنین تمام همبستگی‌های مربوط به توافق متقابل بین پاسخ‌دهندگان شامل توافق بین والدین، توافق بین معلمان، توافق بین کودکان و والدین و توافق بین والدین و معلمان نیز معنی‌دار است.

مثبت معنی دار و سبک مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده منفی معنی‌داری برای این متغیر محسوب می‌شوند.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان اضطراب/ افسردگی بر سبک‌های فرزندپروری

سبک فرزندپروری ← مقتدرانه سهل‌گیرانه مستبدانه متغیر ↓	
نسبت F	۲۰/۴۸۴
df	۳
معنی‌داری	۰/۰۰۱
ضریب بتا	۰/۱۲ ۰/۱۱ -۰/۳۲
β	۳/۶۵ ۳/۰۶ -۰/۱۲
T	۲/۱۷ ۱/۷۷ -۴/۸۸
سطح معنی‌داری T	۰/۰۳ ۰/۰۷۷ ۰/۰۰۱
ضریب تبیین	۰/۱۹
خطای استاندارد برآورد	۲/۰۴۲۵

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان افسردگی/کناره‌گیری بر سبک‌های فرزندپروری

سبک فرزندپروری ← مقتدرانه سهل‌گیرانه مستبدانه متغیر ↓	
نسبت F	۲۱/۹۹۵
df	۳
معنی‌داری	۰/۰۰۱
ضریب بتا	۰/۱۳ ۰/۱۰ -۰/۳۴
β	۵/۴۸ ۳/۸۶ -۰/۱۸
T	۲/۳۱ ۱/۵۸ -۵/۲۴
سطح معنی‌داری T	۰/۰۲ ۰/۱۱ ۰/۰۰۱
ضریب تبیین	۰/۲۰
خطای استاندارد برآورد	۲/۸۶۹۱

در تحلیل دیگر، متغیر شکایات جسمانی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شد. نتایج نشان داد که نسبت F (با مقدار ۷/۹۱۴، درجه آزادی ۳ و $p < ۰/۰۰۱$) معنی‌دار بوده و این سبک‌ها می‌توانند ۸٪ از واریانس نشانگان شکایات جسمانی را تبیین نمایند. سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده منفی و سبک مستبدانه پیش‌بینی‌کننده مثبت معنی‌دار این متغیر هستند. به‌طور کلی نتایج نشان داد که سبک سهل‌گیرانه با وجود همبستگی مثبت با نشانگان درونی‌سازی شده و تمام زیرمقیاس‌های آن، نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای این نشانگان باشد. به‌نظر می‌رسد این همبستگی به دلیل همپوشی نسبی این متغیر با دیگر سبک‌ها باشد. در واقع این سبک به تنهایی نمی‌تواند رابطه معنی‌داری با این نشانگان داشته باشد.

جدول ۱ ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات درونی‌سازی

مشکلات	سبک				
	شکایات جسمانی	افسردگی/کناره‌گیری	اضطراب/افسردگی	درونی‌سازی	مستبدانه
سبک‌ها و مشکلات					
مقتدرانه	۱/۰۰				
سهل‌گیرانه	۱/۰۰	-۰/۵۱			
مستبدانه	۱/۰۰	-۰/۰۲	۰/۰۲		
درونی‌سازی	۱/۰۰	۰/۲۴	۰/۳۱	-۰/۴۴	
اضطراب/افسردگی	۱/۰۰	۰/۸۵	۰/۱۸	۰/۳۰	-۰/۴۰
افسردگی/کناره‌گیری	۱/۰۰	۰/۶۵	۰/۹۰	۰/۱۹	۰/۳۰
شکایات جسمانی	۱/۰۰	۰/۴۰	۰/۴۳	۰/۶۳	۰/۱۹

نتایج خانه‌های خاکستری دارای همبستگی‌های معنی‌دار $p = ۰/۰۱$ هستند.

جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان درونی‌سازی شده بر سبک‌های فرزندپروری

سبک فرزندپروری ← مقتدرانه سهل‌گیرانه مستبدانه متغیر ↓	
نسبت F	۲۶/۶۱
df	۳
معنی‌داری	۰/۰۰۱
ضریب بتا	۰/۱۷ ۰/۱۱ -۰/۳۵
β	۰/۱۲ ۷/۲۴ -۰/۳۲
T	۲/۰۵ ۱/۷۷ -۵/۵۱
سطح معنی‌داری T	۰/۰۰۲ ۰/۰۷۸ ۰/۰۰۱
ضریب تبیین	۰/۲۳
خطای استاندارد برآورد	۴/۸۱۳۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه با توجه به معنی‌دار بودن نسبت F (با مقدار ۲۰/۴۸، درجه آزادی ۳ و $p < ۰/۰۰۱$)، این سبک‌ها می‌توانند ۱۹٪ از واریانس نشانگان اضطراب/افسردگی را پیش‌بینی نمایند. البته با این تفاوت که سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده منفی و سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای این نشانگان محسوب می‌گردند. در تحلیل رگرسیون سوم، متغیر افسردگی/کناره‌گیری به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شد. ضریب F (با مقدار ۲۰/۴۸، درجه آزادی ۳ و $p < ۰/۰۰۱$) معنی‌دار بوده و سبک‌های فرزندپروری می‌توانند ۲۰٪ از واریانس نشانگان افسردگی/کناره‌گیری را تبیین نمایند. سبک مستبدانه پیش‌بینی‌کننده

جدول ۵) نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان شکایات جسمانی بر سبک‌های فرزندپروری

سبک فرزندپروری ← متغیر ↓ مقتدرانه سهل‌گیرانه مستبدانه		
نسبت F		
df		
معنی‌داری		
ضریب بتا		
β		
T		
سطح معنی‌داری T		
ضریب تبیین		
خطای استاندارد برآورد		

نتایج به‌دست‌آمده درباره رابطه سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با نشانه‌های درونی‌سازی‌شده را می‌توان با نظریه دلبستگی و همچنین نظریه یادگیری اجتماعی تبیین نمود. نظریه یادگیری اجتماعی، بر پاسخ تشویق‌کننده و نظریه دلبستگی بر پاسخ دارای ارزش تربیتی، یعنی پاسخ گرم و صمیمانه، در ایجاد دلبستگی ایمن و رفتارهای سازش‌یافته در کودک تأکید دارند. همگام با نظریه یادگیری اجتماعی، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که حمایت و درگیری مفرط والدین، یک جنبه مهم از کنترلی است که موجب تشویق مشکلات درونی‌سازی کودک می‌شود [۱۶]. همچنین همگام با نظریه دلبستگی، نتایج نشان می‌دهد که کمبود رابطه گرم و صمیمانه با کودک می‌تواند یک جنبه از پاسخ عاطفی باشد که پیش‌بینی‌کننده مشکلات درونی‌سازی‌شده است.

بر اساس نظریه بالبی در مورد دلبستگی، کودک در خلال اولین ماه‌های زندگی، تجربه خود را در رابطه با تصویر مادر آغاز می‌کند. این تجربه در جریان سال‌های کودکی و نوجوانی ادامه می‌یابد تا کودک بتواند به بنا کردن الگوهای عملیاتی نایل گردد [۱۷]. بسیاری از محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی که در مراقبت‌های والدین مشاهده می‌شود همانند جدایی عمل کرده و مانع شکل‌گیری یک دلبستگی ایمن در کودک می‌شود. زمانی که والدین با رفتارهای مستبدانه خویش، کودک را از داشتن یک رابطه گرم و صمیمی محروم می‌کنند، دلبستگی ایمن در کودک شکل نمی‌گیرد زیرا کودک هیچگاه اطمینانی از محبت والدین دریافت نکرده است. این حالت موجب می‌شود که کودک نسبت به رویدادهای آینده در زندگی آسیب‌پذیرتر شود. از سویی دیگر، در همان دوره خردسالی نیز چنین کودکانی حالت درماندگی بیشتری نشان می‌دهند و به سهولت برانگیخته می‌شوند. این حالتی است که در نشانگان افسردگی - اضطراب مشاهده می‌شود.

والدین مستبد به رفتارهای کودک خویش پاسخ مناسبی ارائه نمی‌دهند و کم‌کم باعث نوعی حالت استیصال در کودک و شکل‌گیری تصویری منفی از خود می‌گردند. بنابراین این کودکان برای هر عمل خویش مورد سرزنش قرار می‌گیرند و پذیرش لازم را از طرف والدین دریافت نمی‌کنند و این وضعیت منجر به حالت کناره‌گیری در کودک می‌شود تا به این وسیله بتواند از طرد و تنبیه بیشتر والدین در امان بماند. در واقع این کودکان با رفتار کناره‌گیری و افسردگی خویش به نوعی از انجام هر گونه عملی که ممکن است موجب واکنش منفی در والدین و در نتیجه تنبیه و طرد و سرزنش وی گردد، اجتناب می‌کنند. همچنین با حالت افسردگی و کناره‌گیری به نوعی خشم خویش را نیز به والدین نشان می‌دهند. همچنین این کودکان برای جلب توجه و پذیرش از سوی والدین ممکن است به طور ناخودآگاه از بیمار شدن یا شکایات جسمانی استفاده کنند و یا ممکن است اضطراب موجب بروز بیماری‌های مختلف در آنها گردد. از سویی دیگر، والدین سهل‌گیر نیز به نوعی دیگر موجب بروز

بحث

هدف این پژوهش بررسی نقش رفتارهای والدین در پرتو سبک‌های فرزندپروری در تحول نشانه‌های درونی‌سازی‌شده در کودکان است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با نمره کل نشانه‌های درونی‌سازی‌شده رابطه منفی معنی‌داری دارد. همچنین رابطه این سبک فرزندپروری با تمام نشانگان این طبقه از اختلال‌های دوران کودکی منفی بود. سبک مستبدانه هم با نمره کل نشانه‌های درونی‌سازی‌شده و هم با نشانگان اضطراب - افسردگی و افسردگی - کناره‌گیری و شکایات جسمانی رابطه مثبت معنی‌داری داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه برای تمام نشانگان‌ها پیش‌بینی‌کننده منفی معنی‌دار و سبک فرزندپروری مستبدانه برای تمام نشانگان این طبقه از اختلال‌ها، پیش‌بینی‌کننده مثبت معنی‌داری هستند. اما به‌نظر می‌رسد با وجود همبستگی مثبت معنی‌دار بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و نشانگان درونی‌سازی‌شده، این سبک پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای این نشانگان نیست.

نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه با نتایج برخی پژوهش‌های پیشین همسو است [۸، ۹، ۱۰، ۱۵]. برای مثال در پژوهش بایر و همکاران، درگیری و حمایت مفرط والدین و همچنین صمیمیت عاطفی کم با نشانه‌های درونی‌سازی‌شده رابطه معنی‌داری دارد. همچنین طرد، فقدان درگیری صمیمانه و حمایت مفرط با نشانه‌های درونی‌سازی‌شده در پژوهش گینسبورگ و موریس، رابطه مثبت معنی‌داری را نشان داد. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که تمایز میان درگیری صمیمانه خانواده و حمایت - درگیری مفرط بسیار مهم است [۱۴]. حتی در مواردی که نشان‌های درونی‌سازی‌شده در کودک وجود دارد، اگر سبک فرزندپروری والدین تغییر کرده و آنها خود را به صورت صمیمانه درگیر رفتارها و زندگی کودک سازند و دست از حمایت مفرط بکشند، نشانه‌های درونی‌سازی‌شده کاهش می‌یابند.

- 4- Moffitt TE, Caspi A. Childhood predictors differentiate life-course persistent and adolescence-limited antisocial pathways, among males and females. *Development & Psychopathology*. 2001;13:355-75.
- 5- Stormshak EA, Bierman KL, McMahon RJ, Lengua LJ. The over-scheduled child: Avoiding the hyper-parenting trap. *The Brown University Child and Adolescent Behavior Letter*; 2000.
- 6- Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among latino mothers and children [dissertation]. In press; 2005.
- 7- Steinberg L, Lamborn SD, Darling N, Mounts NS, Mornbusch S. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*. 2002;65:754-77.
- 8- Muris P, Meesters CM, VanBrakel A. Assessment of anxious rearing behaviors with a modified version of "Egna Mirmern Bestr affende Uppfostran" questionnaire for children. *Journal of Psychopathology & Behavioral Assessment*. 2003;25:229-337.
- 9- Muris P, Meesters CM, Vanden-Berg S. Internalizing and externalizing problems as correlates of self reported attachment style and perceived parental rearing in normal adolescents. *Journal of Child & Family Studies*. 2003;12:171-83.
- 10- Roelofs J, Meesters C, Huurne MT, Bamelis L, Muris P. On the links between attachment style, parental rearing behaviors and internalizing and externalizing problems in non-clinical children. *Journal of Child & Family Studies*. 2006;15(3):331-4.
- 11- O'Connor TG. The effects of parenting reconsidered: Findings, challenges and applications. *Journal of Child Psychology & Psychiatry*. 2002;43(5):555-72.
- 12- Cicchetti D, Toth SL. The development of depression in children and adolescents. *American Psychologist*. 1998;53:221-41.
- 13- Spence SH. Prevention strategies. In: Vasey MW, Dadds MR, editors. 2nd ed. London: Oxford University Press; 2001.
- 14- Bayer JK, Hemphill A, Sanson AV. Parent influences on early childhood internalizing difficulties. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2006;27(6):542-59.
- 15- Ginsburg GS, Siqueland L, Masia-Warmer C, Hedtke KA. Anxiety disorders in children: Family matters. *Cognitive & Behavioral Practice*. 2004;11:28-43.
- 16- Webster-Stratton C, Herman KC. The impact of parent behavior-management training on child depressive symptoms. *Journal of Counseling Psychology*. 2008;55(4):473-84.
- ۱۷- دادستان پریخ. روان‌شناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۰. ص. ۱۱۰.
- ۱۸- سیدموسوی پریسا، نادعلی حسین، قنبری سعید. رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برون‌سازی‌شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. *مجله خانواده پژوهی*. بهار ۱۳۸۷؛ ۴(۱۳):۳۹-۳۷.
- 19- Propper C, Willoughby M, Halpern CT, Carbone MA, Cox M. Parenting quality, DRD4 and the prediction of externalizing and internalizing behaviors in early childhood. *Developmental Psychobiology*. 2007;49(6):619-32.

مشکلات در کودک می‌شوند. رفتار این والدین ترکیبی از صمیمیت کم و فقدان کنترل کافی روی رفتارهای کودک است. داشتن کنترل مناسب روی کودک یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری رفتارهای سازش‌یافته است که در این گروه از والدین دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به فقدان کنترل مناسب بر کودک در این سبک، افزایش مشکلات رفتاری همچون مشکلات برون‌سازی‌شده، پیامد اصلی این سبک والدینی باشد [۱۸]. این امر تبیینی برای عدم رابطه معنی‌دار میان سبک‌های سهل‌گیرانه و نشانه‌های درونی‌سازی‌شده است. در واقع به نظر می‌رسد که سبک مستبدانه بیشتر با نشانه‌ای درونی‌سازی و سبک سهل‌گیرانه بیشتر با مشکلات رفتاری برون‌سازی‌شده [۱۸] ارتباط دارند. در پژوهشی دیگر نیز نشان داده شد که افزایش مسئولیت‌پذیری والدین همراه با صمیمیت، یعنی دو مولفه‌ای که در سبک سهل‌گیرانه دیده نمی‌شود، با کاهش مشکلات برون‌سازی‌شده در کودک ارتباط دارد [۱۹].

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر این است که سبک فرزندپروری مقتدرانه که کنترل همراه با صمیمیت را در بر دارد، با احتمال بیشتری مانع از تحول مشکلات درونی‌سازی در کودک می‌گردد. رفتار این والدین موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودک شده و همچنین حمایت و کنترل مناسب آنها باعث می‌شود که کودکان با بهره‌گیری از فرصت‌هایی که در اختیار دارند، بتوانند مهارت‌های لازم برای زندگی را بیاموزند. والدینی که از سبک فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند، با احتمال بیشتری موجب بروز مشکلات درونی‌سازی در کودک می‌گردند زیرا نه تنها کودک محبت کافی از والدین دریافت نمی‌کند بلکه امکان رشد مهارت‌ها را نیز به سبب ترس از تنبیه و سرزنش از دست می‌دهد.

منابع

- 1- Gimpel GA, Holland ML. Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years. New York: Guilford press; 2002.
- 2- Achenbach TM, Rescorla LA. Manual for the ASEBA school-age forms and profiles. Burlington, VT; University of Vermont. Research Center for Children, Youth & Families. 2001.
- 3- Mesman J, Bongers IL, Koot HM. Preschool developmental pathways to preadolescent internalizing and externalizing problems. *Journal of Child Psychology & Psychiatry & Allied Disciplines*. 2001;42(5):679-89.